

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

# **Scientific Requirements and Standards for Specialized Interviews with Child and Adolescent Victims of Sexual Abuse in the Criminal Justice Systems of Iran and the United States**

1. Iman Madanian: Department of Criminal Law and Criminology, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Salameh Abolhassani\*: Department of Criminal Law and Criminology, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: salamehabolhasani@iau.ac.ir (Corresponding Author)
3. Mohammadreza Elahi Manesh: Department of Criminal Law and Criminology, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

## **ABSTRACT**

This study was conducted with the aim of examining and comparing the scientific requirements and professional standards governing specialized interviews with child and adolescent victims of sexual abuse within the criminal justice systems of Iran and the United States. The primary focus is on identifying best practices for detecting sexual offenses while minimizing secondary psychological harm to children, taking into account the cultural, legal, and psychological differences between the two countries, and proposing solutions to improve preliminary investigative procedures. The research adopted a descriptive–analytical approach based on the examination of legal sources and scholarly articles. The findings indicate that, in the United States, interview standards are grounded in multidisciplinary team structures, the use of open-ended and non-leading questions, video recording of interviews, and child-centered settings designed to enhance informational accuracy and prevent repeated interviewing sessions. In Iran, requirements emphasize the training of specialized interrogators (preferably female), the establishment of initial trust, and the avoidance of suggestive questioning; however, challenges remain, including incomplete implementation of specialized juvenile police units and the need for localized protocols. Similarities between the two systems are evident in prioritizing the prevention of secondary trauma and emphasizing children’s cognitive development, whereas differences primarily relate to legal structures (such as Articles 39 and 42 of Iranian law) and cultural considerations. It is recommended that Iran adapt integrated protocols such as the NICHD investigative interview protocol in accordance with Islamic legal standards to enhance procedural efficiency.

**Keywords:** *Scientific requirements; child and adolescent victims of sexual abuse; criminal justice systems of Iran and the United States.*

How to cite: Madanian, I., Abolhassani, S., & Elahi Manesh, M. (2026). Scientific Requirements and Standards for Specialized Interviews with Child and Adolescent Victims of Sexual Abuse in the Criminal Justice Systems of Iran and the United States. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(4), 1-21.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 September 2025

Revise Date: 12 February 2026

Accept Date: 19 February 2026

Initial Publish Date: 27 June 2026

Final Publish Date: 23 October 2026



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## الزامات علمی و استانداردهای مصاحبه تخصصی با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی در نظام کیفری ایران و آمریکا

۱. ایمان مدنیان: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. سلامه ابوالحسنی\*: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: [salamehabolhasani@iau.ac.ir](mailto:salamehabolhasani@iau.ac.ir) (نویسنده مسئول)
۳. محمدرضا الهی منش: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه الزامات علمی و استانداردهای مصاحبه تخصصی با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی در نظام کیفری ایران و آمریکا انجام شد. تمرکز اصلی بر شناسایی بهترین شیوه‌ها برای کشف جرایم جنسی با حداقل آسیب روانی ثانویه به کودکان، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، قانونی و روانشناختی در دو کشور، و پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود فرایند تحقیقات مقدماتی است. این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه بررسی منابع حقوقی، مقالات علمی انجام گردید. نتایج نشان داد که در آمریکا، استانداردهای مصاحبه بر پایه تیمهای چندرشته‌ای، سؤالات باز و غیرتلقینی، ضبط ویدیویی و تنظیمات کودک‌محور استوار است تا دقت اطلاعات را افزایش دهد و از تکرار جلسات جلوگیری کند. در ایران، الزامات بر آموزش بازجویان متخصص (ترجیحاً زن)، اعتمادسازی اولیه و اجتناب از سؤالات تلقینی تأکید دارد، اما چالشهایی مانند عدم اجرای کامل پلیس ویژه اطفال و نیاز به پروتکل‌های بومی‌شده وجود دارد. شباهت‌ها در اولویت جلوگیری از ترومای ثانویه و تمرکز بر توسعه شناختی کودک مشهود است، در حالی که تفاوتها عمدتاً به ساختار قانونی (مانند مواد ۴۲ و ۳۹ قانون ایران) و فرهنگی مربوط میشود. پیشنهاد میشود ایران پروتکل‌های یکپارچهای مانند NICHD را با موازین شرعی تطبیق دهد تا کارایی فرایند افزایش یابد.

واژگان کلیدی: الزامات علمی، اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی، نظام کیفری ایران و آمریکا

**نحوه استناددهی:** مدنیان، ایمان، ابوالحسنی، سلامه، و الهی منش، محمدرضا. (۱۴۰۵). الزامات علمی و استانداردهای مصاحبه تخصصی با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی در نظام کیفری ایران و آمریکا. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۴)، ۲۱-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۳ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۳۰ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۶ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۵



جرائم جنسی علیه اطفال و نوجوانان، از شدیدترین اشکال نقض حقوق بشر و کرامت انسانی به شمار می‌روند؛ جرایمی که پیامدهای آن محدود به لحظه ارتکاب نیست و میتواند تمام ابعاد زندگی فرد، از شکلگیری هویت و روابط عاطفی تا کارکرد اجتماعی او در بزرگسالی را تحت‌تأثیر قرار دهد. در این میان، نحوه مواجهه نظام عدالت کیفری با این گروه از بزه‌دیدگان، به‌ویژه در نخستین تماس رسمی آنان با پلیس (ضابطان قضایی) و دستگاه قضایی در مرحله «تحقیقات مقدماتی»، نقشی تعیین‌کننده در کاهش یا تشدید آثار جرم ایفا میکند. اگر این مرحله به‌درستی طراحی و اجرا نشود، نه تنها به کشف حقیقت و تعقیب مؤثر مرتکب کمک نخواهد کرد، بلکه خود به منبعی برای «بزه‌دیدگی ثانویه» در قالب شرم، ترس، احساس گناه، بیاعتمادی و امتناع از ادامه همکاری با مرجع رسیدگی بدل می‌شود.

اطفال و نوجوانان، به دلیل ویژگیهای رشدی، شناختی و عاطفی، قادر به بیان تجربیات دردناک جنسی مانند بزرگسالان نیستند؛ فهم محدود از فرایند دادرسی، ترس از واکنش خانواده، وابستگی اقتصادی و عاطفی به بزرگترها (که گاه خود مرتکبانند)، و تابو بودن موضوعات جنسی در فرهنگ غالب، سبب میشود فرایند بازگویی و گزارش‌دهی واقعیت، به شدت شکننده و آسیب‌پذیر باشد. در چنین شرایطی، هر سؤال نادرست، هر برخورد قضاوت‌گرانه، و هر محیط نامناسبی که برای مصاحبه انتخاب میشود، میتواند هم دقت و اعتبار اظهارات طفل را مخدوش کند و هم به بازتجربیه آزار و فروپاشی روانی او بینجامد. بنابراین مسئله اصلی، نه صرفاً «تحقیق درباره جرم»، بلکه «چگونگی تحقیق از بزه‌دیدگی خردسال» است.

نظامهای کیفری مختلف برای پاسخگویی به این چالش، به‌تدریج از الگوی سنتی بازجویی پلیسی فاصله گرفته و به سمت طراحی الگوهای «حمایت‌محور» و «کودک‌مدار» در مرحله تحقیقات مقدماتی حرکت کرده‌اند. در این میان، نظام کیفری آمریکا با ایجاد «مراکز حمایت از اطفال» و «تیمهای چندرشته‌ای» متشکل از پلیس، دادستان، روانشناس، مددکار اجتماعی و پزشک قانونی و با تدوین پروتکل‌های استاندارد مصاحبهی تحقیقی با اطفال، کوشیده است فرایند جمع‌آوری ادله را با کمترین تعداد مصاحبه، در محیطی امن و اختصاصی، و توسط مصاحبه‌گران آموزش‌دیده انجام دهد. چنین ساختاری، ضمن افزایش کیفیت و قابلیت استناد اظهارات طفل، احتمال آسیب مجدد را نیز کاهش میدهد و اعتماد بزه‌دیده و خانواده را نسبت به نظام عدالت کیفری تقویت میکند.

در مقابل، نظام کیفری ایران هرچند در سطح تقنین، گامهایی مانند تصویب «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» برداشته و به ضرورت حمایت ویژه از این گروه تصریح کرده است، اما در سطح اجرا با چالشهای متعدد مواجه است. فقدان مراکز تخصصی فراگیر برای مصاحبه با اطفال بزه‌دیده جنسی، نبود دستورالعمل‌های واحد و الزام‌آور برای شیوهی انجام تحقیقات مقدماتی در این نوع جرایم، کمبود آموزشهای تخصصی برای ضابطان و قضات، و غلبه نگاه سنتی و تابوآلود به مسائل جنسی، سبب شده است که در بسیاری از پرونده‌ها، تحقیقات مقدماتی در محیطهای نامتناسب (کلانتری، بازداشتگاه یا داسرا)، با حضور افراد متعدد و بدون رعایت اصول روانشناختی و ارتباطی انجام شود. این وضعیت، از یک سو سلامت ادله را تهدید میکند و از سوی دیگر، زمینه‌ی بیمیلی طفل و خانواده به طرح شکایت یا پیگیری پرونده را فراهم می‌آورد و در نهایت به گسترش «عدد سیاه» بزه‌دیدگی جنسی منجر میشود.

از سوی دیگر، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی ایران و آمریکا نیز در نحوه شکلگیری و گزارش‌دهی این جرایم و در نتیجه در طراحی تحقیقات مقدماتی نقش دارد. در ایران، موضوعات جنسی عموماً در حیطه‌ی حیا، آبرو و حیثیت خانوادگی قرار می‌گیرند؛ خانواده‌ها غالباً از ترس انگ اجتماعی، ازدواج‌آیندهی طفل، یا حفظ ظاهر، از طرح شکایت یا پیگیری پرونده خودداری کرده یا خواستار پنهانسازی حداکثری میشوند.

چنین زمینهای موجب میشود طفل در مرحلهی تحقیقات مقدماتی، مضطرب، کمگو و ناپایدار در اظهارات باشد و هرگونه بیاحتیاطی در شیوهی سؤالکردن و تنظیم صورتجلسه، به برداشتهای نادرست یا تناقضات ظاهری در گفتار او بینجامد. در مقابل، در آمریکا گرچه چالشهای فرهنگی و طبقاتی وجود دارد، اما گفتمان غالب حقوق اطفال و نوجوانان، نظام گزارشدهی اجباری توسط متخصصان (پزشکان، معلمان، مددکاران) و فعالیت نهادهای مدنی، افشا و پیگیری بزه‌دیدگی جنسی را آسانتر کرده است و همین امر، طراحی تحقیقات مقدماتی منطبق بر وضعیت اطفال و نوجوانان را تسهیل مینماید.

برآیند این وضعیت آن است که در نظام کیفری ایران، میان اصول اعلامی حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیدهی جنسی و سازوکارهای عملی مرحلهی تحقیقات مقدماتی شکافی جدی وجود دارد. هرچند قانونگذار بر ضرورت حمایت از آنان تأکید کرده است، اما نبود ساختارهای نهادی تخصصی، ضعف هماهنگی میان نهادهای پلیسی، قضایی و حمایتی، و فقدان پروتکلهای علمی مصاحبه، باعث شده است کیفیت تحقیقات مقدماتی و کارآمدی آن در کشف حقیقت و کاهش آسیب، پاسخگوی نیازهای این گروه آسیبپذیر نباشد.

#### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

##### مفهوم جرایم جنسی:

جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان، از جمله شدیدترین و حساسترین اشکال بزه‌دیدگی هستند که در همه نظامهای کیفری، به دلایل روانی، اخلاقی و اجتماعی، با حساسیت ویژهی مورد توجه قرار گرفتهاند. مفهوم این جرایم بهطور کلی به هرگونه رفتار جنسی مجرمانهای اطلاق میشود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم متوجه اطفال و نوجوانان شده و تمامیت جسمی، روانی و حیثیتی آنان را نقض میکند (Nobahar, 2010).

در نظام کیفری ایران، تعریفی صریح و جامع از «جرم جنسی» ارائه نشده و قانونگذار صرفاً به ذکر مصادیق اکتفا کرده است. این مصادیق در قالب جرایم حدی مانند زنا، لواط، مساحقه و قوادی و نیز در قالب تعزیرات مانند روابط نامشروع، بوسیدن شهوانی، یا مضاجعه ذکر شدهاند. با وجود وسعت این مصادیق، تمرکز ویژهی بر اطفال یا نوجوانان نیز دیده نمیشود. هرچند آزار جنسی اطفال در برخی مواد بهطور ضمنی جرمانگاری شده، اما نبود تعریفی مشخص از خشونت جنسی علیه این گروه، خلأ قابل توجهی ایجاد کرده است (Mohammadi, 2010).

در مقابل، نظام کیفری آمریکا رویکردی ساختارمند و حمایتمحور نسبت به جرایم جنسی علیه گروه اطفال و نوجوانان اتخاذ کرده است. در این نظام، این جرایم طیفی از رفتارها را شامل میشوند؛ که جمله آنها تجاوز و آزار جنسی در محیطهای مراقبتی گرفته تا بهره‌کشی تجاری و مجازی، هرزه‌نگاری و حتی سهلانگاری جنسی را میتوان برشمرد. قوانین فدرال و ایالتی آمریکا به صراحت اعمالی چون تماس جنسی، ارسال تصاویر مستهجن، یا حتی تلاش برای ملاقات اینترنتی با اطفال را جرمانگاری کردهاند. ابزارهایی چون ثبتنام مجرمان در سامانههای عمومی، الزام به درمان روانی، و اعمال نظارت دائمی از جمله سازوکارهای کنترلی در این نظاماند (Berliner & Elliott, 2002).

تفاوت اصلی این دو نظام کیفری در رویکرد تقنینی و حمایتی است؛ زیرا در ایران، تمرکز بیشتر بر جنبههای فقهی و اخلاقی روابط جنسی بوده و حمایت کیفری از اطفال کمتر بهطور اختصاصی تدوین شده است، در حالی که در آمریکا، توجه ویژهی به حمایت فعال از اطفال و نوجوانان بهعنوان بزه‌دیده، همراه با تعریف دقیق رفتارهای ممنوعه، معطوف شده است. این تفاوت، بر ضرورت اصلاح قوانین داخلی،

جرمانگاری روشن و ایجاد چارچوب حمایتی ویژه برای اطفال در برابر جرایم جنسی تأکید دارد. در ادامه این پژوهش و در ذیل این عنوان به بررسی مفهوم جرم جنسی و طبقه‌بندی جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان در نظام کیفری ایران و آمریکا پرداخته خواهد شد. باقری، نفیسه؛ عظیمزاده، شادی؛ مهرا، نسرین؛ و مهدوی‌نابت، محمدعلی، (۱۴۰۲)، در مقالهای تحت عنوان: «ضرورت حمایت حداکثری از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال و چالشهای ناظر بر آن با تأکید بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹» بیان نموده‌اند که بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال بهسبب آسیب‌پذیری ویژه، نیازمند حمایت حداکثری و سیاست افتراقی در نظام عدالت کیفریاند و قانون ۱۳۹۹ با وجود نوآوریها، در عمل با چالشهایی مواجه است. نویسندگان از جمله کاستیهای تقنینی/عملی را ابهام در تبیین مفهوم اطفال و نوجوانان، حذف برخی مصادیق حمایتی (مانند آزار عاطفی)، و نیز حداقلی‌بودن ضمانت‌اجراها در برخی موارد (از جمله نسبت به والدین آزارگر و نیز برخی اشکال آزار جنسی) دانسته و تأکید میکنند که ضعف بازدارندگی و خلأهای حمایتی/ترمیمی میتواند حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال را تضعیف کند. پژوهش مذکور هرچند با رساله پیشرو از حیث حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال و توجه به خلأهای حمایتی ارتباط دارد، اما از منظر تمرکز اصلی بر سیاست جنایی تقنینی و ارزیابی قانون ۱۳۹۹ (نه تحلیل متمرکز «تحقیقات مقدماتی» و الزامات عملی مواجهه/مصاحبه و مدیریت فرایند کشف جرم در پروندههای بزه‌دیدگی جنسی اطفال و نوجوانان، و نیز رویکرد تطبیقی با نظام آمریکا) دارای افتراق رویکردی و دامنه‌ای است (Bagheri et al., 2023).

جعفری، بهرام، (۱۴۰۰)، در مقالهای تحت عنوان: «جلوههای سیاست افتراقی کیفری در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌دیده با نگاهی به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹» بیان نموده است که بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان اقتضای اتخاذ سیاستهای افتراقی را دارد؛ سیاستهایی که هم ناظر به پیشگیری و نظارت بر وضعیتهای مخاطره‌آمیز است و هم برای جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه در فرایند رسیدگی اهمیت دارد. وی نتیجه میگیرد که قانون ۱۳۹۹ با توسعه دامنه حمایتها، در دو بعد ماهوی (جرمانگاریهای مستقل و مجازاتهای اختصاصی) و شکلی/نهادی (پیشبینی سازوکارهای نهادی، انتظامی و قضایی ویژه) رویکرد افتراقی را پررنگتر کرده است. پژوهش مذکور هرچند با رساله پیشرو از حیث تأکید بر سیاست افتراقی و حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده ارتباط دارد، اما از منظر تمرکز تخصصی بر تحقیقات مقدماتی بزه‌دیدگی جنسی اطفال و نوجوانان (به‌ویژه الزامات عملی مصاحبه/بازجویی و مدیریت ادله در این مرحله) و نیز رویکرد تطبیقی با نظام آمریکا، دارای افتراق موضوعی و دامنه‌ای است (Jafari, 2021).

### ➤ مفهوم بزه دیدگی جنسی

بزه‌دیدگی جنسی از جمله مفاهیمی است که در بستر تحول مفاهیم حقوق کیفری، جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، جایگاهی ویژه یافته است. این مفهوم ناظر بر موقعیتی است که در آن شخص، در نتیجه ارتکاب اعمالی با ماهیت جنسی و بدون رضایت آزادانه، متحمل آسیب میگردد و از این حیث، مستحق برخورداری از حمایتهای قانونی و کیفری شناخته میشود. اگرچه در گذشته تمرکز اصلی نظامهای کیفری عمدتاً بر تعقیب و مجازات مرتکب جرم بوده است، اما در دهه‌های اخیر، توجه به بزه‌دیده و نیازهای حمایتی وی، به یکی از ارکان سیاست جنایی نوین بدل شده است.

از آنجا که جرایم جنسی اغلب با ابعاد پیچیده‌ای چون سکوت قربانی، دشواری اثبات، فقدان رضایت صریح، و تبعات روانی و اجتماعی همراهاند، مفهوم بزه‌دیدگی جنسی به‌گونه‌ای فزاینده در تعامل با عناصر روانشناختی، جامعه‌شناختی و حقوقی بررسی میشود. در این راستا،

فهم این مفهوم در گرو تحلیل دقیق دو عنصر بنیادین است: نخست، ماهیت رفتار جنسی ارتكابی و رابطه آن با رضایت یا اجبار؛ و دوم، جایگاه و وضعیت حقوقی فرد آسیب‌دیده در فرآیند عدالت کیفری (Azari & Babazadeh, 2019).

مطالعه تطبیقی بزه‌دیدگی جنسی در نظام‌های کیفری مختلف، از جمله ایران و آمریکا، می‌تواند چشماندازی روشن از نحوه شناسایی، تبیین و پاسخ‌دهی حقوقی به این پدیده ارائه دهد. این بررسی نهنها به درک عمیق‌تر از مبانی نظری و مفهومی بزه‌دیدگی جنسی کمک می‌کند، بلکه ظرفیتهای اصلاحی و تقنینی نظام‌های کیفری را نیز در مواجهه با این نوع از بزه‌دیدگی نمایان می‌سازد.

### در نظام کیفری ایران:

بزه‌دیدگی جنسی مفهومی پیچیده در حقوق کیفری و علوم جنایی است که به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن فردی به دلیل وقوع جرمی دارای ماهیت جنسی، بدون رضایت آگاهانه و آزادانه، متحمل آسیبهای متعدد جسمی، روانی، یا اجتماعی می‌گردد. این نوع بزه‌دیدگی یکی از پراسبترین انواع بزه‌دیدگی در جوامع محسوب می‌شود و بنا بر تعریف سازمان بهداشت جهانی شامل هر گونه تماس جنسی ناخواسته، سوءاستفاده یا بهره‌کشی جنسی است که بدون رضایت فرد صورت می‌گیرد.

در نظام کیفری ایران، تعریفی صریح و جامع از بزه‌دیدگی جنسی ارائه نشده است، اما می‌توان آن را از ترکیب تعاریف ارائه‌شده در منابع فقهی، قانونی و جرم‌شناسی استخراج کرد. مطابق بررسیهای حقوقی، بزه‌دیدگی جنسی به وضعیت قربانی جرایمی چون تجاوز، زنا، لواط، تفخیز، آزار جنسی، سوء استفاده از محارم، یا اجبار به رابطه نامشروع اطلاق می‌شود. در این میان، عنصر «رضایت» جایگاه کلیدی دارد و در بسیاری از موارد فقدان رضایت ناشی از زور، تهدید، فریب یا موقعیت وابستگی است که در قانون به‌صراحت بیان نشده است (Azari & Babazadeh, 2019).

یکی از مشکلات عمده در شناسایی بزه‌دیدگان جنسی در ایران، نبود حمایت ساختاری و روانی برای گزارش جرم است. مطالعات نشان می‌دهد که ترس از برچسب اجتماعی، بیاعتمادی به نظام عدالت کیفری، و ساختارهای مردسالارانه فرهنگی، از عوامل بازدارنده در گزارش‌دهی این نوع بزه‌دیدگی محسوب می‌شوند. در همین زمینه، پژوهشها بر این نکته تأکید دارند که اغلب بزه‌دیدگان جنسی زنان و اطفال هستند و به‌دلیل جایگاه نابرابر اجتماعی، دسترسی محدودی به عدالت دارند (Bagheri et al., 2023).

از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی، این نوع بزه‌دیدگی نه‌فقط یک وضعیت فردی، بلکه پدیده‌های اجتماعی است که نیازمند سیاست‌های حمایتی، از جمله رسیدگی تخصصی، محرمانگی اطلاعات، جبران خسارت، و حمایت روانی است. در حالیکه قوانین ایران در خصوص مجازات مرتکبین جرایم جنسی نسبتاً سختگیرانه‌اند، اما فقدان نهادهای حمایتی مستقل و فقدان آموزش و آگاهی عمومی، از نقاط ضعف مهم در پاسخ به بزه‌دیدگی جنسی تلقی می‌شوند (Alasti & Hassanpour, 2006).

در مجموع، بزه‌دیدگی جنسی در ایران مفهومی چندبعدی است که فهم دقیق آن نیازمند بررسی تقاطع مفاهیم حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است. نبود چارچوب قانونی جامع، ضعف در حمایت از بزه‌دیدگان، و چالشهای اثبات قضایی، این بزه‌دیدگان را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد.

### در نظام کیفری آمریکا:

بزه‌دیدگی جنسی در نظام کیفری آمریکا، مفهومی گسترده و چندبعدی دارد که به وضعیت فردی اطلاق می‌شود که بدون رضایت آگاهانه و آزادانه، در معرض کنشهای جنسی ناخواسته، اجباری یا سوءاستفاده‌آمیز قرار گرفته و در نتیجه، متحمل آسیبهای جسمی، روانی یا اجتماعی

میگردد. طبق تعریف «مرکز کنترل و پیشگیری از بیماریها»<sup>۱</sup>، خشونت جنسی شامل هرگونه فعالیت جنسی است که بدون رضایت انجام شود، اعم از تماس جنسی، اجبار به تماشا یا شنیدن محتوای جنسی، و استفاده از قدرت، تهدید یا ناتوانی قربانی می‌باشد. نظام کیفری آمریکا، برخلاف بسیاری از نظامهای حقوقی سنتی، بر اصل «رضایت مثبت»<sup>۲</sup> تأکید دارد. در این تعریف، سکوت یا فقدان مقاومت لزوماً به معنای رضایت تلقی نمیشود و فرد باید به‌صورت واضح، آزادانه و آگاهانه رضایت خود را ابراز کند. این رویکرد در بسیاری از ایالات آمریکا مانند کالیفرنیا، نیویورک و ورمونت، در قوانین کیفری منعکس شده و مبنای پیگیریهای قضایی قرار میگیرد. از نظر قانونی، جرایم جنسی در آمریکا شامل طیف وسیعی از اعمال از جمله «تجاوز»<sup>۳</sup>، «آزار جنسی»<sup>۴</sup>، و سوءاستفاده جنسی از افراد آسیبپذیر مانند اطفال یا افراد ناتوان ذهنی است. علاوه بر تعیین مجازات برای مرتکبین، نظام عدالت کیفری آمریکا به‌طور خاص بر حمایت از بزه‌دیدگان جنسی نیز متمرکز شده است. نهادهایی مانند «دفتر امور خشونت علیه زنان»<sup>۵</sup> در وزارت دادگستری، بودجهایی برای آموزش پلیس، مراکز مشاوره روانی، و مراکز مراقبتهای پزشکی قانونی تخصیص داده‌اند (Valizadeh, 2023).

یکی از مزایای نظام کیفری آمریکا در برخورد با بزه‌دیدگان جنسی، وجود نظامهای گزارشدهی مستقل، حفاظت از اطلاعات قربانیان، و بهره‌گیری از متخصصان در مراحل تحقیق و محاکمه است (Basile et al., 2014). با این حال، چالشهایی مانند نرخ پایین گزارشدهی جرایم جنسی، ترس از مواجهه با نهادهای رسمی، و شرم اجتماعی هنوز هم به‌عنوان موانعی بر سر راه قربانیان وجود دارد (WORLD HEALTH ORGANIZATION ET AL., 2018).

در مجموع، بزه‌دیدگی جنسی در نظام کیفری آمریکا بر پایه اصولی مانند رضایت آزادانه، حمایت قانونی چندلایه، و مداخله روانی - اجتماعی قرار دارد. این نظام اگرچه نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر ساختار پیشرفته‌تری در حمایت از قربانیان دارد، اما همچنان نیازمند اصلاح در زمینه پیشگیری، آموزش عمومی، و کاهش انگزنی اجتماعی نسبت به بزه‌دیدگان است.

#### روش مورد بررسی

این تحقیق با هدف بررسی و مقایسه الزامات علمی و استانداردهای مصاحبه تخصصی با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی در ایران و ایالات متحده آمریکا انجام میشود. تمرکز بر جنبه‌های حقوقی، روانشناختی و عملی این مصاحبهها است تا نقاط قوت، ضعف و پیشنهادهای بهبود را شناسایی کند.

#### مطالعه اسناد و مدارک:

مطالعه اسناد و مدارک در مرحله تحقیقات مقدماتی، به‌ویژه در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان، به معنای بررسی دقیق هرگونه نوشته، گزارش، پرونده اداری، سوابق پزشکی، تحصیلی و اجتماعی است که میتواند در کشف حقیقت و ارزیابی وضعیت بزه‌دیده و متهم مؤثر باشد. مطابق ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس میتواند در صورت ضرورت، اسناد و مدارک مؤثر در کشف جرم را که نزد متهم، وکیل یا اشخاص ثالث است در حضور آنان مورد بررسی قرار دهد؛ اما اسناد و مدارک غیرمرتبط با جرم نباید مطالبه یا مطالعه شود (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۵۴).

1 - Centers for Disease Control and Prevention. (CDC)

2 - affirmative consent

3 - rape

4 - sexual assault

5 - Office on Violence Against Women (OVW)

در پرونده‌های آزار و سوءاستفاده جنسی از اطفال، طیف اسناد قابل مطالعه بسیار گسترده است؛ از پرونده‌های مدرسه‌های مانند گزارش غیبت‌های مکرر، افت تحصیلی ناگهانی و گزارش‌های مشاور مدرسه، تا سوابق پزشکی مانند آسیب‌های جسمی مکرر، اختلالات خواب و تغذیه، و گزارش‌های مددکاری اجتماعی یا سازمان‌های حمایتی. این اسناد می‌توانند الگوی زمانی و تدریجی بزه‌دیدگی را آشکار کنند و نشان دهند که آیا نشانه‌های هشداردهنده‌های قبلاً گزارش شده اما نادیده گرفته شده است یا خیر (Sadati & Hosseini, 2018).

از سوی دیگر، مطالعه اسناد و مدارک پرونده کیفری - از جمله اظهارات اولیه شاکی، گزارش‌های ضابطان، نظریات پزشکی قانونی و صورتجلسات بازجویی - برای شناسایی تعارضات، کاستیها و نیاز به تحقیقات تکمیلی ضروری است. با این حال، قانونگذار در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به مقام تحقیق اجازه داده است در صورتی که مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، با ضرورت کشف حقیقت منافات داشته باشد یا موضوع از جرایم خاص باشد، قرار عدم دسترسی صادر کند (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۹۱). در جرایم منافی عفت و جرایم جنسی علیه اطفال، این اختیار باید با رعایت اصل تناسب و حداقلسازی محدودیتها نسبت به نمایندگان قانونی طفل اعمال شود تا هم محرمانگی حفظ گردد و هم حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی نقض نشود (Dehghani et al., 2022).

از منظر بزه‌دیده‌محور، مطالعه اسناد و مدارک باید با حساسیت نسبت به اطلاعات خصوصی و حیثیتی طفل همراه باشد. به موجب تصریح قانونگذار، ارائه اسناد و مدارک حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت به اشخاص غیر ذینفع ممنوع است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۹۱، تبصره ۲). این محدودیتها برای جلوگیری از افشای غیرضروری جزئیات آزار جنسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه طفل وضع شده است. در عین حال، هماهنگسازی دسترسی میان دادستان، بازپرس، وکلای طرفین و نهادهای حمایتی، با حفظ محرمانگی، شرط لازم برای استفاده مؤثر و عادلانه از اسناد در تصمیم‌گیریهای کیفری و حمایتی است (دهقانی، آشوری و رحمدل، ۱۴۰۱).

#### کارشناسی و جلب نظر متخصصان پزشکی قانونی:

کارشناسی و جلب نظر متخصصان پزشکی قانونی در پرونده‌های آزار جنسی اطفال و نوجوانان در نظام کیفری آمریکا، رکن محوری تحقیقات مقدماتی است؛ این ارزیابی هم در خدمت کشف و تثبیت دلایل و هم در خدمت تشخیص نیازهای درمانی و روانی بزه‌دیده و هدایت مداخلات حمایتی به‌کار می‌رود (Adams et al., 2016; Jenny et al., 2013). دستورالعمل‌های تخصصی تأکید می‌کنند که این معاینات باید توسط پزشکان آموزش‌دیده در حوزه «پزشکی آزار جنسی اطفال» انجام و در چارچوب پاسخ چندرشته‌های سامان یابد.

«پروتکل ملی معاینات پزشکی‌فورنزیک آزار جنسی اطفال» وزارت دادگستری آمریکا سه هدف برای معاینه برمی‌شمارد: پاسخ به نیاز سلامت جسمی و روانی طفل، کمک به روند التیام، و جمع‌آوری ادله پزشکی‌فورنزیک قابل استفاده در فرایند کیفری و حمایت از طفل؛ معاینه باید در محیطی با محوریت اطفال، با رعایت کرامت و رازداری و در هماهنگی با سایر اعضای تیم چندرشته‌های انجام شود.

ساختار ارزیابی شامل اخذ شرح‌حال طبی و اجتماعی از والد یا مراقب، گفتگوی محدود و هدفمند با طفل درباره نشانه‌های جسمی، معاینه کامل جسمی و ژنیتال با ابزار متناسب با سن، آزمایش برای عفونتهای منتقله از راه جنسی و در صورت اقتضا اقدامات پیشگیرانه (از جمله پیشگیری پس از مواجهه برای «اچ‌آی‌وی») است؛ زمانبندی (اورژانسی، فوری، غیرفوری) و ارجاع به مراکز تخصصی نیز بر اساس همین چارچوب تعیین می‌شود (Adams et al., 2016; Kellogg et al., 2005).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد در اکثر اطفال بزه‌دیده، به‌ویژه در معاینات غیراحاد، هیچ یافته قطعی مشاهده نمی‌شود و طبیعی بودن معاینه نافی آزار نیست (Adams et al., 2016; Kellogg et al., 2005). از اینرو، جداول طبقه‌بندی یافته‌ها توسعه یافته که آنها را در سطوح «ناسازگار»، «غیر اختصاصی»، «سازگار» یا «تشخیصی» برای آزار جنسی جای می‌دهد و کارشناس بر این مبنا و با زبان احتمالات اظهار نظر میکند (Adams et al., 2016; Adams et al., 2018).

در مرحله دادرسی، این متخصصان به‌عنوان کارشناس، به‌وسیله گزارش مکتوب و شهادت، معنای یافته‌های مثبت یا منفی، امکان علل جایگزین و تأثیر زمان بر ترمیم ضایعات را برای قاضی و هیئت منصفه تبیین می‌کنند، بیانکه درباره صداقت بزه‌دیده یا مجرم‌بودن متهم داوری قطعی کنند (Adams, 2011; Adams et al., 2016). بدیترتیب، کارشناسی پزشکی‌قانونی در چارچوبی علمی و حمایت‌محور، پیوندی میان دادرسی منصفانه و صیانت از سلامت و کرامت اطفال و نوجوانان بزه‌دیده برقرار می‌سازد.

#### مصاحبه تخصصی (بازجویی علمی) و مواجهه حضوری:

در نظام کیفری آمریکا، «بازجویی و مواجهه حضوری» در پرونده‌های آزار جنسی اطفال و نوجوانان بر تنش میان دو منطق استوار است: کشف حقیقت و تضمین حقوق دفاعی متهم از یک سو، و حفاظت حداکثری از طفل بزه‌دیده از سوی دیگر. ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی نشان می‌دهد که در این حوزه، برداشت کلاسیک از مواجهه رودرو جای خود را به رویکردی داده است که بر قابلیت اتکای ادله و پیشگیری از آسیب روانی به طفل تأکید میکند (Clow, 2015; Goodman et al., 1999).

در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، بازجویی از متهم تابع قواعد عام آیین دادرسی (حق سکوت، حق وکیل و...) است، اما دستورالعمل‌های عملی پلیس - مانند راهنمای واحد جرایم جنسی پلیس نیواورلئان - بر استفاده از تکنیک‌های مصاحبه‌ی حساس به تروما، پرهیز از سرزنش بزه‌دیده و سازماندهی تحقیقات به‌گونه‌ای که در عین جامعیت، کمترین آسیب ثانویه به طفل وارد شود تأکید می‌کنند. بدیهی است که زمان و مکان بازجویی از متهم از مصاحبه‌ی طفل به‌طور کامل تفکیک می‌شود.

در خصوص مواجهه متهم و طفل در مرحله‌ی تحقیق، دستورالعمل‌های مصاحبه‌ی ادله‌ای انجمن تخصصی مربوط تصریح می‌کند که مضمون آزار جنسی «به‌هیچ‌وجه نباید در زمان مصاحبه حضور داشته یا در مجاورت محل مصاحبه باشد» و همراهی طفل توسط فرد مضمون مردود است، زیرا حضور یا نفوذ او خطر سکوت، انکار یا تحریف اظهارات طفل و تضعیف اعتبار ادله را افزایش می‌دهد (Newlin, 2015). در سطح شناسایی، مواجهه‌ی مستقیم در کلانتری جای خود را به روش‌های ضابطه‌مندی چون ردیف شناسایی و آلبوم عکس داده است؛ راهنماهای تخصصی بر طراحی غیرالقایی ردیف و پرهیز از هرگونه نشان‌گذاری متهم برای کاهش خطر شناسایی نادرست، به‌ویژه توسط اطفال، تأکید دارند (Taskforce, 2012, 2023).

مفهوم «مواجهه حضوری» در معنای کلاسیک، در مرحله‌ی دادرسی و ذیل «شرط حق مواجهه»<sup>۱</sup> در متمم ششم مطرح است. دیوان عالی آمریکا در «پرونده مریلند علیه کریگ»<sup>۲</sup> پذیرفت که در موارد خاص، از جمله در مورد اطفال بزه‌دیده جنسی، میتوان به‌منظور جلوگیری از آسیب شدید روانی، شهادت طفل را از طریق ویدئو و بدون رویارویی فیزیکی مستقیم اخذ کرد، مشروط بر آنکه امکان پرسش متقابل مؤثر حفظ شود (Goodman et al., 1999).

1 - Confrontation Clause

2 - Maryland v. Craig

بر این اساس، در نظام آمریکا، بازجویی از متهم حرفه‌ای و حقوقمدار باقی میماند، اما مواجهه‌ی طفل با متهم - چه در تحقیق و چه در دادرسی - تنها با استفاده از سازوکارهای حمایتی و در صورتی پذیرفتنی است که با مصلحت طفل و دقت ادله منافی نداشته باشد؛ در عمل، اصل بر جداسازی طفل و توسل به مواجهه و شناسایی غیرمستقیم است.

### ➤ اصول حرفه‌ای در ساختار و جریان مصاحبه‌ی تحقیقی (بازجویی علمی)

اصول حرفه‌ای در ساختار و جریان مصاحبه‌ی تحقیقی با اطفال و نوجوانان در نظام کیفری ایران، در واقع نقشه راهی است برای اینکه فرایند کشف حقیقت، هم «علمی و دقیق» باشد و هم «حمایتی و انسانی». در این نگاه، بازجویی از اطفال دیگر صرفاً جمع‌آوری اقرار یا اطلاعات نیست، بلکه فرایندی هدایت‌شده و مرحله‌مند است که از لحظه‌ی نخست تماس تا پایان ثبت اظهارات، باید بر پایه‌ی استانداردهای حقوقی، روانشناختی و اخلاقی طراحی شود (Valizadeh, 2023).

در چنین چارچوبی، گفتگو با اطفال پیش از ورود به پرسشهای اصلی، جایگاه ویژه‌ای مییابد؛ مرحله‌ای که طی آن، موقعیت مصاحبه برای او توضیح داده میشود، نقش و حقوقش روشن میگردد و فضای ارتباطی امن و قابل‌اعتماد شکل میگیرد (Sternberg et al., 2001). در ادامه، نوع و محتوای پرسشها اهمیت مییابد؛ به این معنا که قانونگذار و دکتربین، تنها «چه پرسیدن» را مهم نمیدانند، بلکه «چگونه پرسیدن» و «چه چیز را پرسیدن» را نیز جزو اصول حرفه‌ای می‌آورند. پرهیز از سوالات تلقینی، تحقیرآمیز، تجاوزگر به حریم خصوصی و نسبتناسخ با سن و وضعیت طفل، در کنار التزام به پرسشهای قانونی روشن، مرتبط و قابل‌فهم، بخشی از همین منطق است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۹۵) (Motamedi Jouybari, 2019).

از سوی دیگر، ساختار مصاحبه به‌گونه‌ای طراحی میشود که در آن، مدیریت روانی جلسه و کنترل اضطراب، ترس و پریشانی طفل جایگاه محوری دارد. توجه به ویژگیها و مشکلات خاص هر مصاحبه‌شونده، از جمله محدودیتهای شناختی، جسمی یا ارتباطی، و نیز تنظیم تعداد افراد حاضر، لحن، سرعت و شیوهی طرح سؤال، همگی به‌عنوان عناصر حرفه‌ای در جریان مصاحبه دیده میشوند (Motamedi Jouybari, 2019).

سرانجام، نوع و ترتیب سوالات - از سوالات باز و روایت‌محور تا پرسشهای خاص و محدودتر - نه به‌صورت سلیقه‌ای، بلکه بر پایه‌ی اصول شناخته‌شده مصاحبه‌ی علمی تنظیم میشود تا هم حافظه و بیان آزاد طفل فعال شود و هم اعتبار اثباتی اظهارات حفظ گردد. مباحث آتی، هر یک از این اجزا را به‌طور تفصیلی بررسی میکند و نشان میدهد که رعایت این اصول چگونه میتواند همزمان حافظ حقیقت و حافظ کرامت طفل باشد (Lamb et al., 2002; Valizadeh, 2023).

### آموزش اولیه مصاحبه‌شونده:

آموزش اولیه مصاحبه‌شونده یکی از مراحل اساسی در مصاحبه و بازجویی علمی از اطفال بزه‌دیده است و باید پیش از ورود به پرسشهای اصلی، به‌صورت منظم و هدفمند انجام شود (Valizadeh, 2023). در این مرحله، معمولاً چهار گام مکمل دنبال میشود که در کنار هم، طفل را برای مشارکت صادقانه و بدون فشار در فرایند تحقیق آماده میکنند. در گام نخست، نقش و مسئولیت طفل در مصاحبه برای او توضیح داده میشود؛ به او گفته میشود هدف از مصاحبه، کمک به کشف حقیقت و روشنشدن آنچه رخ داده است و بیان جزئیات تجربه‌شده از سوی او اهمیت دارد. این توضیح به طفل کمک میکند موقعیت مصاحبه را از تعاملات روزمره با بزرگسالانی که معمولاً پاسخ را از قبل میدانند، تشخیص دهد و انگیزه بیشتری برای بیان راستین واقعیت پیدا کند (Sternberg et al., 2001). در ادامه، شیوه درست پاسخگویی به طفل

آموزش داده میشود؛ بهطور صریح به او گفته میشود اگر سؤال را نمیفهمد بگوید «متوجه نشدم»، اگر پاسخ را نمیداند بگوید «نمیدانم» و اگر موضوع را به یاد نمیآورد یا از پاسخ دادن احساس ناراحتی میکند، بتواند این احساس را بیان کند. این مهارتها از طریق مثالها و سؤالات تمرینی تقویت میشود تا طفل تحت فشار موقعیت به حدس زدن، اغراق یا ساختن پاسخ روی نیارد (Motamedi Jouybari, 2019).

**پرسشهای ممنوعه و پرهیز از پرسشهای تلقینی، اغواگر، تحقیرآمیز و بیش از حد شخصی:**

در چارچوب اصول حرفهای مصاحبه تحقیقی با اطفال و نوجوانان، قانونگذار و دکترین بر پرهیز جدی از پرسشهای ممنوعه و هرگونه سؤال تلقینی، اغواگر، تحقیرآمیز و بیش از حد شخصی تأکید کردهاند. بر اساس ماده ۵۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اگرچه مقرهای خاص و افتراقی درباره نوع سؤالات در بازجویی از اطفال و نوجوانان وجود ندارد، اما با ارجاع به عموماً ماده ۶۰ همین قانون، چند دسته از پرسشها بهطور مطلق ممنوع شناخته میشود؛ از جمله سؤالات غیرمرتبط با موضوع اتهام، مانند اینکه در پرونده اخلاقی در نظم عمومی، بدون تفهیم اتهام جدید، درباره شرب خمر فرد تحقیق شود (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲) (Motamedi Jouybari, 2019). دسته دیگر، پرسش درباره عقاید و باورهای سیاسی یا مذهبی است که مصداق تفتیش عقاید بوده و به موجب قانون اساسی ممنوع است؛ همچنین سؤال در مورد انجام اعمال عبادی یا نوع نگرش متهم به مسئولان و وقایع سیاسی روز، داخل در همین ممنوعیت قرار میگیرد. گروه سوم، پرسش از امور خصوصی و صرفاً شخصی فرد و اطرافیان اوست؛ مانند روابط خانوادگی، عاطفی و جنسی که معمولاً برای آزار روانی و شکستن «حریم دفاعی» فرد به کار میروند و باید در مصاحبه و بازجویی از اطفال و نوجوانان مطلقاً کنار گذاشته شود (Motamedi Jouybari, 2019).

**پرسشهای قانونی:**

در چارچوب اصول حرفهای مصاحبه تحقیقی، «پرسشهای قانونی» به سؤالاتی گفته میشود که هم با موازین آیین دادرسی کیفری و هم با حقوق بنیادین متهم - بهویژه اطفال و نوجوان - سازگار باشد. بر اساس ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده همان اتهام باشند؛ یعنی بازجو یا قاضی حق ندارد فراتر از موضوع اتهام، وارد حوزههای نامرتبط شود یا موضوعات دیگری را بدون تفهیم رسمی اتهام جدید، مطرح کند (معمدی جویباری، ۱۳۹۸؛ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۹۵). از نظر شکلی نیز، سؤالات قانونی باید برای متهم ساده و قابلفهم باشد؛ بهصراحت تأکید شده که استفاده از الفاظ ثقیل فقهی و حقوقی و اصطلاحات نامأنوس ممنوع است، زیرا طفل یا نوجوان توان درک آنها را ندارد و ممکن است بدون فهم دقیق سؤال، پاسخی بدهد که بعداً علیه او بهکار رود. همچنین پرسشها نباید تلقینی باشند؛ یعنی نباید ارتکاب جرم یا هر امر دیگری را در متن سؤال مفروض بگیرند یا متهم را به سمت یک پاسخ خاص سوق دهند، مگر در موارد استثنایی که قانونگذار بهطور محدود اجازه داده است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۹۵) (Motamedi Jouybari, 2019).

**مدیریت روانی و کنترل پریشانی و نگرانی و توجه به مشکلات خاص مصاحبه شونده:**

مدیریت روانی و کنترل پریشانی و نگرانی مصاحبهشونده طفل یا نوجوان، از مهمترین وظایف مصاحبهگر در بازجویی علمی است. در جریان مصاحبه، طفل ممکن است بهدلیل ماهیت اتهام، فضای رسمی، حضور افراد ناآشنا یا تجربههای قبلی ترسآور، دچار اضطراب، ترس، بیقراری و حتی مقاومت در پاسخگویی شود. در چنین وضعیتی، مصاحبهگر باید با تسلط روانی و دقت به نشانههای غیرکلامی، ابتدا منشأ نگرانی و نیازهای عاطفی و جسمی طفل را تشخیص دهد و سپس اقداماتی را برای کاهش و کنترل این وضعیت بهکار گیرد؛ برای مثال، دادن فرصت

استراحت، تغییر لحن و سرعت پرسشها، اطمینانبخشی نسبت به عدم تنبیه و سرزنش، یا تعدیل فضای فیزیکی مصاحبه (Motamedi, Jouybari, 2019).

#### سوالات مصاحبه و انواع آن:

در مصاحبه تحقیقی با اطفال و نوجوانان، نوع سؤالات و ترتیب بهکارگیری آنها یکی از اساسیترین عناصر حرفهایبودن فرایند است. هدف از مصاحبه در حوزههای پلیسی و قضایی، طرح سؤالات اساسی و در عین حال تشویق طفل به صحبتکردن با حداقل مداخله و جهتدهی است و بر همین اساس توصیه میشود از طرح سؤالاتی که پاسخ «بله/خیر» دارند، جز در موارد کاملاً ضروری، خودداری شود و به طفل اجازه داده شود واقعه را با زبان خود توصیف کند (Motamedi Jouybari, 2019; Wilson & Powell, 2005). در این چارچوب، سؤالات «باز» در اولویت قرار میگیرند؛ سؤالاتی که پیشفرض مشخصی را بر طفل تحمیل نمیکند، پاسخ از پیش تعیینشده ندارند و معمولاً طفل را به بیان توضیحات مفصل وادار میکنند، مانند «درباره وقتی که در پارک بودی بیشتر برایم بگو» یا «قبلاً گفتم دوست نداری حمام بروی، در این مورد بیشتر توضیح بده». این نوع پرسشها زمینه «یادآوری آزاد» را در حافظه طفل فراهم میکنند که از نظر دقت و صحت، از «بازشناسی» بر پایه سؤالات بسته و گزینههای قابلاعتداتر است (Lamb et al., 2002; Valizadeh, 2023).

#### آشنایی، احاطه، اعتماد سازی و ارتباط گیری با اطفال و نوجوانان پیش از مصاحبه (بازجویی):

آشنایی، احاطه، اعتمادسازی و ارتباطگیری با اطفال و نوجوانان پیش از مصاحبه (بازجویی)، در نظام کیفری ایران فقط یک مرحله مقدماتی شکلی نیست، بلکه زیربنای تمام فرایند کشف حقیقت و حمایت از طفل به شمار میآید. طفل یا نوجوان، وقتی وارد فضای کیفری میشود، با مجموعههای از ترسها، ابهامها، سوءبرداشتها و آسیبهای احتمالی روبهروست و اگر پیش از آغاز پرسشهای اصلی، ذهن و روان او برای ورود به این فرایند آماده نشود، هم دقت و صحت اظهاراتش کاهش مییابد و هم خطر بزه‌دیدگی ثانویه و تشدید آسیبهای افزایش پیدا میکند. از این رو، رویکردهای جدید در عدالت کیفری اطفال، بر این اصل استوار است که «مصاحبه مؤثر» از «رابطه مؤثر» جدا نیست و این رابطه، پیش از هر چیز با شناخت، احاطه و اعتمادسازی آغاز میشود (Almerigogna et al., 2007).

در این چارچوب، نخست بر ضرورت احاطه بر وضعیت و شرایط فرد نابالغ تأکید میشود؛ مصاحبهگر باید پیش از جلسه، تصویری کلی اما عمیق از ویژگیهای فردی، خانوادگی، فرهنگی و تحولی طفل به دست آورد تا بتواند زبان، لحن، ساختار پرسشها و شیوه اداره جلسه را متناسب با او تنظیم کند. در ادامه، اعتمادسازی بهعنوان حلقه واسط میان «دانستن درباره طفل» و «شنیدن از طفل» مطرح میشود؛ یعنی مصاحبهگر باید با رفتار، گفتار و نحوه معرفی خود، فضایی بسازد که در آن طفل احساس امنیت، احترام و باورشدن کند و بداند که هدف از مصاحبه تنبیه او نیست، بلکه کمک به فهم واقعیت و حمایت از اوست.

#### احاطه بر وضعیت و شرایط اطفال و نوجوانان

«احاطه بر وضعیت و شرایط اطفال و نوجوانان» پیش از آغاز مصاحبه یا بازجویی، پیششرط هر فرایند تحقیق علمی و حمایتی با طفل بزه‌دیده است. بازجوی متخصص باید پیش از جلسه، تصویری نسبتاً کامل از سن، تواناییها و مشکلات جسمی، روانی و ذهنی طفل، وضعیت رشد تحولی، قومیت، زبان، فرهنگ، مذهب، شرایط اقتصادی خانواده، محل زندگی، مدرسه، رفتوآمدها و کارکرد خانوادگی او به دست آورد و بر اساس این اطلاعات، نحوه طرح پرسشها و مدیریت جلسه را طراحی کند (Valizadeh, 2023). این دادهها میتواند از والدین یا سرپرستان،

مدرسه، مهدکودک، پزشک و مربیان کودک گردآوری شود و در قالب نوعی «پرونده شخصیت» برای بزه‌دیده تنظیم گردد؛ همانگونه که قانونگذار برای طفل بزه‌کار، تشکیل چنین پرونده‌های را در قانون آیین دادرسی کیفری پیشبینی کرده است (Valizadeh, 2023). به‌منظور جلوگیری از تکرار جلسات و فرسایشیدن فرایند برای طفل، پیشنهاد شده است که جلسه بازرجویی، در صورت امکان، به‌طور کامل به‌صورت صوتی یا تصویری ضبط شود تا هم قابلیت استناد قضایی داشته باشد و هم نیازی به بازخوانی مکرر خاطرات آسیبزا برای طفل نباشد (Valizadeh, 2023). همچنین، ترجیح آن است که در تمام مراحل، یک بازرجویی واحد با طفل کار کند تا از تغییر سبک پرسشگری و برهم‌خوردن رابطه اعتماد جلوگیری شود (Valizadeh, 2023).

#### اعتماد سازی در اطفال و نوجوانان:

اعتمادسازی در اطفال و نوجوانان، پیش‌شرط اصلی هر مصاحبه یا بازرجویی علمی مؤثر است و بدون آن، حتی بهترین تکنیکهای پرسشگری نیز به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کیفیت رابطه و رفتار بازرجو، تأثیری مستقیم بر کمیت و کیفیت اطلاعاتی دارد که طفل در جلسه ارائه می‌کند و صرف تواناییهای شناختی طفل برای دستیابی به شهادت معتبر کافی نیست (Almerigogna et al., 2007; Valizadeh, 2023). در مصاحبه با اطفال بزه‌دیده، به‌ویژه در حوزه جرایم جنسی، شرم، ترس و احساس ناامنی مانع اصلی افشاگری هستند و تنها زمانی کاهش می‌یابند که بازرجو بتواند فضایی صمیمی، امن و عاری از قضاوت ایجاد کند (Valizadeh, 2023). در این چارچوب، اعتمادسازی با معرفی کامل و شفاف خود بازرجو آغاز می‌شود؛ او باید با لحنی آرام و دوستانه نام، نقش، هدف و حدود مصاحبه را توضیح دهد تا طفل احساس نکند در برابر یک مقام صرفاً قدرتمند و داور قرار گرفته است. سپس با اطمینان‌دادن درباره محرمانه‌بودن مطالب و اینکه اطلاعات صرفاً برای حفظ امنیت و بهبود وضعیت او در اختیار قضات و متخصصان قرار می‌گیرد، ترس طفل از پیامدهای افشا تا حدی برطرف می‌شود (Valizadeh, 2023). احترام به حریم شخصی، رعایت فاصله مناسب، نشستن در سطح اطفال و پرهیز از ایستادن بالادست او، همگی پیام نمادینی از برابری و احترام می‌فرستد. تماس چشمی ملایم، لبخند، لحن گرم و استفاده از نام طفل در خطاب، ابزارهای ساده اما مؤثری برای ایجاد احساس دیده‌شدن و بااهمیت‌بودن در او هستند (Valizadeh, 2023).

#### زمان و مکان مصاحبه

بحث «زمان و مکان مصاحبه» در نظام کیفری ایران، به‌ویژه در مواجهه با اطفال و نوجوانان، صرفاً یک ملاحظه شکلی و حاشیهای نیست، بلکه از عناصر محوری دادرسی حمایتی و بازرجویی علمی به‌شمار می‌آید. اینکه طفل «کجا» و «چه وقت» مورد مصاحبه قرار می‌گیرد، نه تنها بر احساس امنیت و آرامش او اثر می‌گذارد، بلکه مستقیماً بر کیفیت حافظه، نحوه بیان وقایع و در نهایت، بر اعتبار اثباتی اظهارات او تأثیر دارد. به همین دلیل، در رویکردهای نوین عدالت کیفری اطفال، زمان و مکان مصاحبه به‌عنوان متغیرهایی مستقل و قابل برنامه‌ریزی دیده می‌شوند، نه عواملی اتفاقی و تابع امکانات اداری (Motamedi Jouybari, 2019).

از منظر مکانی، نقطه آغاز این است که فضای مصاحبه باید با محوریت اطفال و غیرتهدیدآمیز باشد؛ محیطی که از یک سو با هیبت مکانهای تنبیهی و امنیتی فاصله داشته باشد و از سوی دیگر، امکان تمرکز، گفتگوی آرام و مشاهده دقیق واکنشهای کلامی و غیرکلامی را برای مصاحبه‌گر فراهم کند. طراحی فضا، نحوه چیدمان، میزان رفت‌وآمد و حتی نشانه‌های بصری حاضر در اتاق، همگی پیام ضمنی به طفل می‌فرستد و در شکلگیری احساس همراهی یا تقابل با نظام عدالت مؤثرند.

#### مکان مصاحبه و ویژگیهای آن:

مکان مصاحبه یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در موفقیت مصاحبه و بازجویی علمی با اطفال و نوجوانان است و هم بر آرامش و احساس امنیت آنان اثر میگذارد و هم بر امکان تشخیص صداقت یا کذب اظهارات. در ادبیات مربوط به پلیس اطفال و مصاحبه تحقیقی تأکید شده که مناسبترین محیط برای مصاحبه، مکانی خلوت، راحت، صمیمی و دوستانه است؛ اتاقی آرام و عاری از مزاحمت که در آن پوسترهایی با تصاویر اطفال یا پیامهای مرتبط با حقوق طفل بر دیوار نصب شده باشد تا طفل احساس کند در فضایی قرار گرفته که نسبت به او بیتفاوت نیست و از او حمایت میکند (Motamedi Jouybari, 2019). صندلی و میز باید متناسب با سن و قد طفل انتخاب شود و در صورت لزوم، اسباببازیهای ساده‌ای برای کاهش اضطراب در اختیار او قرار گیرد، بدون آنکه این وسایل به عاملی برای حواسپرتی و فاصله گرفتن از هدف اصلی مصاحبه، یعنی کشف حقیقت، تبدیل شوند. در همین چارچوب، تأکید میشود که اتاق مصاحبه باید فضایی خصوصی و دنج باشد؛ ورود و خروج افراد، صدای تلفن، رفت‌وآمد و هر عامل مزاحم دیگر باید به حداقل برسد تا هم تمرکز طفل و هم تمرکز مصاحبه‌گر حفظ شود و رفتارهای غیرکلامی و واکنشهای عاطفی قابل تفسیر باشند (Jenny et al., 2013).

### زمان مصاحبه و ویژگیهای آن:

«زمان مصاحبه» در کنار مکان، یکی از عوامل اساسی در موفقیت مصاحبه و بازجویی علمی با اطفال و نوجوانان است و انتخاب نادرست آن میتواند هم دقت اظهارات و هم امنیت طفل را به خطر بیندازد. در ادبیات دادرسی حمایتی تأکید شده است که باید از تأخیر در انجام مصاحبه با طفل پرهیز شود؛ هرچه فاصله زمانی میان وقوع واقعه و مصاحبه بیشتر شود، احتمال فراموشی جزئیات و کاهش توانایی طفل در یادآوری دقیق وقایع افزایش مییابد و اگر طفل در معرض آزار و اذیت باشد، به تعویق انداختن مصاحبه، خطر تکرار یا تشدید آزار را نیز بالا میبرد (Motamedi Jouybari, 2019). از سوی دیگر، زمانبندی باید با ریتم زیستی و نیازهای روزمره طفل هماهنگ باشد؛ انجام مصاحبه در ساعات خواب نیمروزی، زمان صرف غذا یا بلافاصله بعد از شام معمولاً نتیجهبخش نیست و خستگی، خواب‌آلودگی یا گرسنگی میتواند تمرکز و همکاری طفل را کاهش دهد. همچنین، بیرون کشیدن طفل از کلاس درس برای مصاحبه، تجربهای آزارنده است؛ زیرا همکلاسیها کنجکاو میشوند و طفل از برچسب‌خوردن و پرسشهای بعدی آنان ناراحت خواهد شد (Motamedi Jouybari, 2019).

### پیشنیازهای قانونی و قضایی مصاحبه:

پیشنیازهای قانونی و قضایی مصاحبه قضایی (بازجویی) از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی در نظام کیفری ایران را میتوان در سه محور اصلی خلاصه کرد: چارچوب هنجاری دادرسی عادلانه، مقررات حمایتی ویژه اطفال و الزامات تخصصی در شیوه بازجویی. از نظر هنجاری، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مراجع قضایی را مکلف میکند با بیطرفی، در کوتاهترین مهلت ممکن و با رعایت حقوق طرفین اقدام کنند (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۳). این اصول در مورد اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی اهمیت دوچندان دارد، زیرا آسیب‌پذیری آنان اقتضا میکند تماس با نظام عدالت کیفری حداقلی، حمایت‌محور و غیرآسیب‌زا باشد (رادمهر، ۱۴۰۲).

در سطح قوانین ویژه، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در موادی مانند ۹۷، ۲۰۴ و ۳۱۴ امکان اتخاذ تدابیر حفاظتی برای بزه‌دیده، از جمله منع تماس با متهم، اتخاذ تدابیر امنیتی و استفاده از ابزارهای نوین مانند استماع شهادت از راه دور را پیشبینی کرده است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲). همچنین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، دادستان، ضابطان و سایر مراجع ذیربط را موظف میکند در مواجهه با طفل در معرض خطر یا بزه‌دیده، با رویکرد مصلحتمحور اقدام کنند و تصمیماتی نظیر سپردن طفل به خانواده جایگزین، مراکز حمایتی یا ایجاد محیط امن را در نظر بگیرند (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹، ماده ۳۶). این مجموعه مقررات، پیشنیاز شروع هرگونه مصاحبه

قضایی با طفل بزه‌دیده جنسی است؛ به این معنا که آغاز بازجویی بدون احراز و تأمین حداقلی این حمایتها، با فلسفه قانون و سیاست جنایی حمایتی سازگار نیست (Bagheri et al., 2023).

### در نظام کیفری آمریکا

در نظام کیفری آمریکا، «مصاحبه‌ی تحقیقی با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی» یک اقدام حاشیهای یا صرفاً پلیسی نیست، بلکه هسته‌ی اصلی پاسخ جنایی و حمایتی به این نوع بزه‌دیدی به شمار می‌آید. از نگاه اسناد حرفه‌ای و سیاستگذاری، این مرحله جایی است که تجربه‌ی زیسته‌ی طفل برای نخستین بار در قالب یک روایت ثبت‌شده، علمی و بالقوه قابل استناد در فرایند کیفری متبلور می‌شود؛ به همین دلیل، مجموعه‌های الزامات، استانداردها و در عین حال چالش‌های جدی پیرامون آن شکل گرفته است (Newlin, 2015).

در سطح هنجاری و نهادی، مصاحبه‌ی تحقیقی در آمریکا بر دو ستون تکیه دارد: نخست، «مصاحبه‌گر تخصصی طفل» که نقش او به‌طور روشن از پلیس، دادستان و مددکار اجتماعی متمایز شده و به‌عنوان مرجع بیطرف گردآوری روایت عمل می‌کند؛ دوم، «مراکز حمایت از اطفال» و تیمهای چندرشته‌ای که زمان، مکان و شیوه‌ی اجرای مصاحبه را در چارچوبی با محوریت اطفال، ضبط‌شده و قابل نظارت سامان می‌دهند. انجام مصاحبه منوط به آموزش ویژه و مستمر، پایبندی به پروتکل‌های علمی، و رعایت دقیق اصول بیطرفی، پرهیز از القا و حساسیت نسبت به تروما است؛ در عین حال، ویژگیهای فیزیکی، ذهنی و عاطفی مصاحبه‌گر - از نوع پوشش و زبان بدن تا همدلی، خودتنظیمی هیجانی و شناخت علمی از حافظه‌ی طفل - به‌عنوان بخشی از همین الزامات حرفه‌ای شناخته می‌شود (Taskforce, 2023).

در سطح روش‌شناختی، استانداردهای آمریکایی بر ساختار مرحله‌مند مصاحبه، تقدم سؤالات باز و غیرالقایی، تکنیکهای تقویت «روایت آزاد» و استفاده‌ی محتاطانه و مستند از ابزارهای تصویری و بازی‌محور تأکید دارند. زمانبندی بهموقع، کاهش تعداد جلسات، انتخاب مکان خنثی و طفلدوست و ثبت کامل صوتی-تصویری مصاحبه نیز به‌عنوان شروط ضروری برای حفظ دقت حافظه، کاهش آسیب ثانویه و افزایش قابلیت پذیرش قضایی اظهارات طفل مطرح می‌شود. در کنار این بُعد فنی، پیشنهادها قانونی و قضایی - از جمله قواعد استماع شهادت، استثنای اظهارات طفل، الزامات ثبت و امکان استنطاق متقابل - چارچوبی را ایجاد می‌کند که در آن باید میان حقوق دفاعی متهم و حقوق حمایتی طفل تعادل برقرار شود.

### جایگاه، نقش و صلاحیتهای حرفه‌ای مصاحبه‌گر:

در نظام کیفری آمریکا، جایگاه، نقش و صلاحیتهای حرفه‌ای «مصاحبه‌گر طفل» در پرونده‌های سوءاستفاده جنسی از اطفال و نوجوانان، نه به‌عنوان یک نقش فرعی، بلکه به‌مثابه یکی از ستونهای اصلی فرایند کشف حقیقت و حمایت از طفل تعریف شده است. در این نظام، مصاحبه با طفل صرفاً ادامه وظایف پلیس یا مددکار اجتماعی تلقی نمی‌شود، بلکه به صورت یک «حرفه‌ی تخصصی» با تعریف، مأموریت و استانداردهای مستقل شناخته می‌گردد؛ حرفه‌ای که مأموریت آن انجام مصاحبه‌های رشد‌محور، حساس به تروما و در عین حال، حقوقاً معتبر و قابل استناد است (Newlin, 2015; Taskforce, 2023).

### مصاحبه‌گر تخصصی اطفال:

در نظام کیفری آمریکا، «مصاحبه‌گر تخصصی طفل»<sup>۱</sup> در پرونده‌های سوءاستفاده جنسی از اطفال و نوجوانان، به‌عنوان حرفه‌ای آموزش‌دیده و بیطرف تعریف می‌شود که وظیفه‌ی او انجام «مصاحبه‌ی تحقیقی»<sup>۲</sup> به‌صورت حقوقاً معتبر، رشد‌محور و متناسب با تروما است، به‌گونه‌ای که

1 - child forensic interviewer

2 - forensic interview

بیشترین اطلاعات قابل اتکا درباره‌ی واقعی بزه‌دیدگی جنسی برای استفاده در فرایند کیفری و حمایت از طفل به‌دست آید (Newlin, 2015; Taskforce, 2023). این مصاحبه‌گر در الگوی «مرکز حمایت از طفل»<sup>۱</sup> نقش «مرجع بیطرف کشف حقیقت» برای «تیم چندرشته‌ای»<sup>۲</sup> را دارد؛ یعنی بدون آنکه خود تصمیم‌گیرنده‌ی کیفری یا درمانگر باشد، روایت طفل را به‌صورت علمی، غیرالقایی و ثبت‌شده در اختیار پلیس، دادستان، خدمات حمایت از طفل و متخصصان پزشکی و روانی - اجتماعی قرار می‌دهد (Rivard & Schreiber Compo, 2017).

### ضرورت آموزش ویژه و تخصصی

در رسیدگی کیفری به جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان در آمریکا، «مصاحبه‌ی تحقیقی با طفل»<sup>۳</sup> به‌عنوان یک مهارت تخصصی تعریف می‌شود و انجام آن بدون آموزش ویژه و ساختارمند مجاز دانسته نمی‌شود. در اسناد حرفه‌ای، مصاحبه‌ی تحقیقی اطفال، گفتوگویی توصیف می‌شود که توسط «حرفه‌ای عینی آموزش‌دیده» برای گردآوری اطلاعات قابل اعتماد درباره‌ی خشونت و به‌ویژه آزار جنسی انجام می‌گیرد و از نظر رشدشناختی و هیجانی متناسب با سن طفل تنظیم می‌شود (Taskforce, 2023). استانداردهای «اتلاف ملی مراکز حمایت از اطفال»<sup>۴</sup> تصریح می‌کند هر فردی که در مرکز حمایت، نقش مصاحبه‌گر تحقیقی را بر عهده می‌گیرد باید آموزش رسمی و اولیه‌ی تخصصی در مصاحبه‌ی تحقیقی طفل دیده و حداقل ۴۰ ساعت آموزش مصوب در حوزه‌ی آموزش «مصاحبه‌ی قضایی تخصصی اطفال مورد آزار»<sup>۵</sup> شامل رشد طفل را تکمیل کرده باشد؛ علاوه بر این، نظامی برای آموزش تکمیلی و به‌روزرسانی مستمر باید در مرکز برقرار باشد (National Children's Alliance, 2017).

### مدیریت هیجان و وضعیت سلامت روان مصاحبه‌گر و تأثیر آن بر کیفیت مصاحبه:

مدیریت هیجان و وضعیت سلامت روان مصاحبه‌گر در «مصاحبه‌ی تحقیقی»<sup>۶</sup> با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده‌ی جنسی در نظام کیفری آمریکا، به‌طور مستقیم با کیفیت مصاحبه و قابلیت استناد اظهارات طفل پیوند دارد. داده‌های پیمایشی از مصاحبه‌گران وابسته به «مراکز حمایت از اطفال»<sup>۷</sup> نشان می‌دهد که «فرسودگی شغلی»<sup>۸</sup> و «آسیب ثانویه‌ی روانی»<sup>۹</sup> در این گروه در سطح قابل توجهی مشاهده می‌شود و با کاهش رضایت شغلی، احساس کارآمدی پایین و افزایش نیت ترک شغل همراه است (Dehghani et al., 2022; Rivard & Schreiber Compo, 2017). این وضعیت زمانی که بار پرونده‌ها، فشار سازمانی و کمبود حمایت اداری و تیمی افزایش می‌یابد، تشدید می‌شود و «خطر دگرآسبیدگی»<sup>۱۰</sup> و «خستگی دلسوزی»<sup>۱۱</sup> را بالا می‌برد (Sadati & Hosseini, 2018).

### نتیجه‌گیری

1 - C Children's Advocacy Centers (CACs)

2 - Multidisciplinary Team (MDT)

3 - child forensic interview

4 - National Children's Alliance (NCA)

5 - child abuse forensic interview training

6 - forensic interview

7 - Children's Advocacy Centers (CACs)

8 - burnout

9 - secondary traumatic stress

10 - vicarious trauma

11 - compassion fatigue

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی الزامات علمی و استانداردهای مصاحبه تخصصی با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی در نظام‌های کیفری ایران و آمریکا انجام شد و نشان داد که هر دو نظام، اولویت مشترکی در جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه و توجه به ویژگی‌های رشدی و شناختی کودکان دارند، اما در ساختار اجرایی، پروتکل‌های عملی و رویکردهای نهادی تفاوت‌های چشمگیری مشاهده می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا، استانداردهای مصاحبه بر پایه رویکرد چندرشته‌ای (تیم‌های متشکل از پلیس، دادستان، روانشناس، مددکار و پزشک قانونی)، استفاده از پروتکل‌های علمی معتبر مانند NICHD، سؤالات باز و غیرتلقینی، ضبط کامل صوتی-تصویری، مراکز حمایت از اطفال و محیط‌های کودک‌محور استوار است. این ساختار نه تنها دقت و اعتبار اظهارات طفل را افزایش می‌دهد، بلکه با کاهش تعداد جلسات مصاحبه، تکرار خاطرات آسیب‌زا و مواجهه مستقیم با متهم، آسیب روانی ثانویه را به حداقل می‌رساند و اعتماد بزه‌دیده و خانواده را به نظام عدالت تقویت می‌کند.

در مقابل، در نظام کیفری ایران، الزامات قانونی بر آموزش بازجویان متخصص (ترجیحاً زن)، اعتمادسازی اولیه، پرهیز از سؤالات تلقینی و تحقیرآمیز، توجه به محرمانگی و مصلحت طفل (مواد ۳۹، ۴۲ و ۳۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ و مواد آیین دادرسی کیفری) تأکید دارد، اما چالش‌های اجرایی جدی مانند فقدان مراکز تخصصی فراگیر، نبود پروتکل‌های واحد و الزام‌آور، کمبود آموزش‌های مستمر تخصصی برای ضابطان و قضات، و تأثیر عوامل فرهنگی (تابو بودن مسائل جنسی و ترس از انگ اجتماعی) مانع از اجرای کامل این الزامات می‌شود. این وضعیت اغلب منجر به انجام مصاحبه در محیط‌های نامناسب، تکرار جلسات و افزایش خطر آسیب ثانویه می‌گردد.

شباهت‌های دو نظام در اصول بنیادین - مانند اولویت حمایت از طفل، پرهیز از تلقین و توجه به رشد شناختی - فرصتی برای الگوبرداری فراهم می‌کند، در حالی که تفاوت‌ها عمدتاً ریشه در ساختار قانونی، فرهنگی و نهادی دارد. آمریکا با تمرکز بر شواهد علمی و تیم‌های چندرشته‌ای، کارایی بیشتری در کشف حقیقت و حمایت همزمان نشان می‌دهد، در حالی که ایران با وجود پیشرفت‌های تقنینی اخیر، همچنان نیازمند تقویت جنبه‌های عملی است.

با توجه به یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود در ایران اقدامات زیر پیگیری شود:

- تطبیق و بومی‌سازی پروتکل‌های معتبر بین‌المللی مانند NICHD با موازین شرعی و فرهنگی (با همکاری فقه‌پژوهان و روانشناسان)؛
- ایجاد مراکز حمایت از اطفال به صورت سراسری و تیم‌های چندرشته‌ای؛
- الزامی کردن آموزش‌های تخصصی مستمر برای ضابطان، قضات و کارشناسان؛
- توسعه ضبط صوتی-تصویری مصاحبه‌ها و اتاق‌های کودک‌محور؛
- تقویت هماهنگی میان نهادهای پلیسی، قضایی، بهزیستی و پزشکی قانونی.

اجرای این راهکارها می‌تواند شکاف موجود میان اصول اعلامی و عملکرد عملی را کاهش دهد، کیفیت تحقیقات مقدماتی را ارتقا بخشد و حقوق اطفال و نوجوانان بزه‌دیده جنسی را به طور مؤثرتری تضمین کند. در نهایت، حرکت به سوی یک نظام عدالت کیفری کودک‌محور و مبتنی بر شواهد، نه تنها به کشف حقیقت کمک می‌کند، بلکه به کاهش عدد سیاه این جرایم و پیشگیری از آسیب‌های بلندمدت روانی-اجتماعی منجر خواهد شد.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The phenomenon of sexual crimes against children and adolescents constitutes one of the most serious violations of human dignity and fundamental rights, producing long-term psychological, social, and developmental consequences that often persist into adulthood. Contemporary criminal justice systems increasingly recognize that the effectiveness of legal intervention depends not only on punishment of offenders but also on the manner in which young victims are treated during the investigative process. Specialized forensic interviewing has therefore emerged as a central mechanism for balancing evidentiary reliability with victim protection. The present study examines the scientific requirements and professional standards governing specialized interviews with child and adolescent victims of sexual abuse within the criminal justice systems of Iran and the United States, emphasizing the preliminary investigation stage as the decisive point at which justice systems either mitigate or reproduce trauma. Sexual victimization is conceptually understood as any sexual conduct imposed without free and informed consent, producing physical, psychological, or social harm to the victim, and requiring differentiated criminal policy responses due to the developmental vulnerability of children (Nobahar, 2010). Comparative scholarship demonstrates that legal definitions and institutional responses significantly influence reporting behavior, evidentiary quality, and access to justice. In Iran, the absence of a comprehensive statutory definition of sexual crimes against minors has historically resulted in reliance on enumerated offenses grounded in traditional jurisprudential classifications, while modern victimological perspectives increasingly advocate child-centered procedural safeguards (Mohammadi Jorkouyeh, 2010). Conversely, the United States has adopted an expansive and protection-oriented approach incorporating mandatory reporting systems, multidisciplinary collaboration, and specialized investigative protocols aimed at minimizing secondary victimization (Berliner & Elliott, 2002). These structural differences highlight the necessity of analyzing interview practices as an intersection of legal norms, psychological science, and cultural context, rather than as a purely procedural activity.

From a theoretical and victimological perspective, sexual victimization of minors represents a multidimensional phenomenon involving legal status, psychological trauma, social stigma, and evidentiary complexity. Modern criminal policy increasingly shifts attention from offender-centered justice toward victim-centered frameworks that emphasize dignity, confidentiality, and psychological safety throughout the investigative process. The evolution of victimology has reframed interviews with children not as interrogations but as structured communicative processes designed to facilitate accurate memory retrieval while protecting emotional stability (Azari & Babazadeh, 2019). Iranian scholarship stresses that children under eighteen require differentiated protection policies due to heightened vulnerability and power asymmetry, yet practical implementation continues to face legislative ambiguities and insufficient institutional coordination (Bagheri et al., 2023). Comparative analyses further demonstrate that effective responses to sexual victimization depend upon integrated support systems combining legal intervention with psychological care and social protection mechanisms (Alasti & Hassanpour, 2006). In the United States, policy frameworks influenced by public health and trauma-informed models conceptualize sexual abuse investigations as multidisciplinary interventions involving law enforcement, forensic medicine, child protection

agencies, and mental-health professionals working collaboratively to ensure both evidentiary integrity and therapeutic support (Valizadeh, 2023). The theoretical foundation of specialized interviewing thus rests upon the recognition that children's cognitive development, suggestibility, and emotional sensitivity necessitate scientifically structured questioning methods capable of eliciting reliable testimony without coercion or retraumatization.

Methodologically, the study adopts a descriptive-analytical and comparative legal approach grounded in documentary analysis of statutory materials, judicial practices, criminological literature, and interdisciplinary research relating to forensic interviewing of minors. Particular attention is devoted to investigative procedures such as document examination, forensic medical evaluation, and structured interview protocols. Examination of documentary evidence plays a crucial role in reconstructing patterns of victimization by integrating school reports, medical histories, social-service records, and prior investigative documentation, thereby reducing reliance on repetitive questioning of the child (Sadati & Hosseini, 2018). Legal analysis also considers procedural safeguards regulating access to investigative files and confidentiality protections designed to prevent disclosure of sensitive information and secondary harm to victims (Dehghani et al., 2022). Forensic medical expertise constitutes another central investigative component, providing both evidentiary documentation and assessment of the child's health and therapeutic needs. International clinical standards emphasize multidisciplinary evaluation conducted by trained specialists within child-friendly environments, recognizing that absence of physical findings does not negate the occurrence of abuse (Adams et al., 2016; Kellogg et al., 2005). The comparative framework further analyzes investigative interviewing practices, including separation of suspects from victims, avoidance of confrontational encounters, and reliance on scientifically validated identification procedures to minimize error and psychological pressure (Newlin, 2015). Through this methodological structure, the study identifies how procedural design influences both evidentiary outcomes and child well-being.

Findings indicate that the United States criminal justice system has institutionalized specialized interviewing as a professionalized discipline embedded within multidisciplinary Child Advocacy Centers. Interviews are typically conducted by trained forensic interviewers operating as neutral information gatherers rather than interrogators, employing structured protocols emphasizing open-ended questions, narrative recall, and minimal interviewer intervention. Research demonstrates that rapport-building phases, clear explanation of interview rules, and developmental adaptation of language significantly enhance the reliability of children's statements (Sternberg et al., 2001). Professional guidelines strictly prohibit suggestive or coercive questioning and require interviewers to manage emotional distress through trauma-informed techniques that prioritize psychological safety (Motamedi Jouybari, 2019). Audio-visual recording of interviews reduces the need for repeated testimony and increases judicial confidence in evidentiary accuracy. Multidisciplinary coordination further enables integration of legal, medical, and psychological expertise, thereby strengthening both prosecution and victim support outcomes. In contrast, the Iranian system demonstrates growing normative recognition of child protection principles, including emphasis on specialized training, confidentiality, and trust-building prior to questioning. However, implementation challenges persist, including limited nationwide access to specialized facilities, absence of unified interview protocols, and continued reliance on traditional investigative environments that may inadvertently intensify stress for child victims. Cultural factors, particularly social stigma surrounding sexual issues, also influence reporting behavior and communication dynamics during interviews, necessitating culturally sensitive adaptations of scientific interviewing models.

The comparative discussion reveals that both systems share foundational principles—such as prevention of secondary victimization, prioritization of child welfare, and recognition of developmental psychology—yet diverge substantially in institutional capacity and procedural standardization. The American model demonstrates higher procedural integration through mandatory professional training, multidisciplinary teamwork, and standardized scientific protocols grounded in empirical research (Taskforce, 2023). Continuous professional education, including structured certification requirements and ongoing supervision, ensures consistency and quality in investigative interviewing practices (National Children's Alliance, 2017). Furthermore, empirical studies highlight the psychological burden experienced by forensic interviewers themselves, underscoring the necessity of institutional support mechanisms to prevent burnout and maintain interview quality (Rivard & Schreiber Compo, 2017). Iranian legal reforms, particularly the enactment of child protection legislation, signal a transition toward a more victim-centered criminal policy; nevertheless, gaps remain between legislative aspirations and operational realities. The study suggests that adaptation rather than simple adoption of international models is essential. Localization of protocols must consider religious norms, cultural sensitivities, and institutional structures while preserving core scientific principles such as non-leading questioning, child-friendly environments, and interdisciplinary cooperation. Comparative evaluation ultimately demonstrates that effectiveness in investigating sexual crimes against minors depends less on formal legal provisions than on coordinated institutional practice and professional specialization.

In conclusion, the comparative analysis shows that specialized interviewing of child and adolescent victims of sexual abuse represents a critical intersection between criminal justice efficiency and human rights protection. Both Iran and the United States recognize the importance of minimizing secondary trauma and respecting the developmental needs of child victims, yet the degree of institutionalization differs significantly. The United States has operationalized child-centered justice through multidisciplinary structures, standardized protocols, and specialized professional roles, resulting in greater consistency and evidentiary reliability. Iran, despite meaningful legislative advances, continues to face practical challenges related to implementation, training, institutional coordination, and cultural barriers affecting disclosure and investigation. Strengthening specialized investigative infrastructure, expanding professional education, developing unified national protocols adapted to local cultural and religious frameworks, and enhancing cooperation among judicial, medical, and social institutions could substantially improve investigative outcomes. Movement toward an evidence-based, child-centered criminal justice model not only enhances truth-finding but also contributes to long-term psychological recovery of victims and increased public trust in legal institutions.

## References

- Adams, J. A. (2011). Medical evaluation of suspected child sexual abuse: 2011 update. *Journal of Child Sexual Abuse, 20*(5), 588-605. <https://doi.org/10.1080/10538712.2011.606107>
- Adams, J. A., Farst, K. J., & Kellogg, N. D. (2018). Interpretation of medical findings in suspected child sexual abuse: An update for 2018. *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology, 31*(3), 225-231.
- Adams, J. A., Kellogg, N. D., Farst, K. J., Harper, N. S., Palusci, V. J., Frasier, L. D., Levitt, C. J., Shapiro, R. A., Moles, R. L., & Starling, S. P. (2016). Updated guidelines for the medical assessment and care of children who may have been sexually abused. *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology, 29*(2), 81-87.
- Alasti, S., & Hassanpour, M. (2006). Victimology and Prevention of Victimization. *Dadresi*(56), 24-27.
- Almerigogna, J., Ost, J., Bull, R., & Akehurst, L. (2007). A state of high anxiety: How non-supportive interviewers can increase the suggestibility of child witnesses. *Applied Cognitive Psychology, 21*(7), 963-974.
- Azari, H., & Babazadeh, Z. (2019). Protection of Women Victims of Domestic Sexual Violence in the Iranian Criminal Justice System. *Criminal law and Criminology Studies, 49*(2), 259-280.

- Bagheri, N., Azimzadeh, S., Mehra, N., & Mahdavi Sabet, M. A. (2023). The Necessity of Maximum Support for Sexual Victims Under 18 and Supervised Challenges with Emphasis on the Law for the Protection of Children and Adolescents Approved in 2020. *Criminal Law and Criminology Research*, 11(21), 195-231.
- Berliner, L., & Elliott, D. M. (2002). Sexual abuse of children. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 41(8), 972-979.
- Clow, J. (2015). Throwing a toy wrench in the "greatest legal engine": Child witnesses and the Confrontation Clause. *Washington University Law Review*, 92, 793-836.
- Dehghani, A., Ashouri, M., & Rahmdel, M. (2022). Requirements of the Principle of Impartiality in Preliminary Investigations: Challenges and Solutions in the Iranian Judicial System. *Criminal Law Research Quarterly*, 10(39), 9-37.
- Goodman, G. S., Quas, J. A., Bulkley, J., & Shapiro, C. (1999). Innovations for child witnesses: A national survey. *Psychology, Public Policy, and Law*, 5(2), 255-281.
- Jafari, B. (2021). Manifestations of Differential Criminal Policy Regarding Child Victims with a Look at the Law for the Protection of Children and Adolescents Approved in 2020. *Journal of Child Rights*, 2(6), 65-88.
- Jenny, C., Crawford-Jakubiak, J. E., Committee on Child, A., & Neglect, A. A. o. P. (2013). The evaluation of children Pediatrics. *Pediatrics*, 132(2), e558-e567.
- Kellogg, N. D., American Academy of Pediatrics, C. o. C. A., & Neglect. (2005). The evaluation of sexual abuse in children. *Pediatrics*, 116(2), 506-512. <https://doi.org/10.1542/peds.2005-1336>
- Lamb, M. E., Sternberg, K. J., Orbach, Y., Hershkowitz, I., Horowitz, D., & Esplin, P. W. (2002). The effects of intensive training and ongoing supervision on the quality of investigative interviews with alleged sex abuse victims. *Applied Developmental Science*, 6(3), 114-125.
- Mohammadi Jorkouyeh, A. (2010). Islam's Criminal Policy in Sexual Crimes. *Islamic Law*, 7(24), 87-121.
- Motamedi Jouybari, M. (2019). *The Process of Interrogating and Interviewing Children and Adolescents in Conflict with the Law: A Legal and Psychological Approach* Allameh Tabataba'i University, Faculty of Law and Political Science].
- National Children's Alliance. (2017). Standards for accredited members: Forensic interviewing.
- Newlin, C. (2015). *Child forensic interviewing: Best practices*.
- Nobahar, R. (2010). *Objectives of Punishments in Sexual Crimes: An Islamic Perspective* (Editor: R. Moazenzadeh). Islamic Sciences and Culture Academy.
- Rivard, J. R., & Schreiber Compo, N. (2017). Self-reported current practices. *Behavioral Sciences & the Law*, 35(3), 253-268.
- Sadati, S. M. M., & Hosseini, E. (2018). Duties and Powers of Judicial Officers and the Plurality of Special Officers in Iranian Law. Tehran.
- Sternberg, K. J., Lamb, M. E., Orbach, Y., Esplin, P. W., & Mitchell, S. (2001). Use of a structured investigative protocol.... *Journal of Applied Psychology*, 86(5), 997-1005.
- Taskforce, A. (2012). Forensic interviewing in cases of suspected child abuse.
- Taskforce, A. (2023). Practice guidelines: Forensic interviewing of children. American Professional Society on the Abuse of Children (APSAC).
- Valizadeh, A. (2023). *Scientific Requirements for Interrogating Child Victims of Sexual Abuse in the Preliminary Investigation Process* Bakhtar Institute of Higher Education Ilam].
- Wilson, J. C., & Powell, M. B. (2005). *A guide to interviewing children: Essential skills for counsellors, police, lawyers and social workers*.